

## پرسش ۱۱۴: پرسشی در خصوص عصمت و معصومین.

السؤال/ ۱۱۴: هل كل المعصومين أئمة؟ هل العصمة محصورة بالأئمة فقط، أم بإستطاعة كل البشر؟ هل جميع الأنبياء والمرسلين أئمة؟ هل بإمكان أي شخص أن يصل إلى مكانة النبي محمد(ص) في معرفة الله؟ هل يرتقي الإنسان بعمله كسلمان المحمدي، ويتسافل بعمله كأبي لهب؟ وأين محل توفيق الله من هذا؟

المرسل: أسعد أنور، عباس، طاهر، عدنان مهدي، عماد خليل

آیا همه‌ی معصوم‌ها، امام هستند؟ آیا عصمت فقط در امامان می‌باشد؟ یا هر کسی توانایی احراز چنین خصوصیتی را دارا است؟ آیا همه‌ی انبیا و فرستادگان امام هستند؟ آیا هر کسی می‌تواند به جایگاه حضرت محمد(ص) در شناخت خداوند برسد؟ آیا انسان با عمل خویش می‌تواند مانند سلمان ارتقا داشته یابد؟ و یا با عمل خویش به اسفل السافلین مانند ابو لهب برسد؟ و محل توفیق الهی در این موارد کجا است؟  
فرستندگان: اسعد انور، عباس طاهر، عدنان مهدی و عماد خلیل

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

خير ما يصعد من الأرض إلى السماء الإخلاص، وخير ما ينزل من السماء إلى الأرض التوفيق، فعلى قدر إخلاص الإنسان يوفقه الله سبحانه. والإنسان مفطور على الارتقاء إلى أعلى ما يمكن أن يرتقي له المخلوق، ولم يفضل الله سبحانه إنساناً على إنسان إلا بالعمل والإخلاص، والباب مفتوح إلى أن تقوم الساعة لكل إنسان أن يرتقي بالعمل والإخلاص إلى أعلى مقام، وكل مرسل معصوم ومن

سواهم يمكن أن يعتصموا بالله عن محارم الله، وليس جميع الأنبياء المرسلون أئمة<sup>1</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلّم تسليماً.

بهترین چیزی که از زمین به آسمان بالا می رود اخلاص، و بهترین چیزی که از آسمان به زمین نازل می شود، توفیق الهی است. خداوند سبحان به انسان اندازهی اخلاصش توفیق عطا می فرماید. فطرت انسان برای ارتقا به بالاترین حدی که برای مخلوق امکان پذیر است، خلق شده و خداوند سبحان هیچ انسانی را بر انسان دیگر برتر نمی شمارد مگر با عمل و اخلاص. دروازهی ارتقا تا برپایی ساعت برای هر کسی باز است تا با عمل و اخلاص به بالاترین درجات برسد. همه ی فرستادگان، معصوم هستند

---

<sup>1</sup> عن هشام بن سالم ودرست بن أبي منصور الواسطي، عنهما (عليهما السلام) قال: (الأنبياء والمرسلون على أربع طبقات، فنبي منبأ في نفسه لا يعدو غيرها، ونبي يرى في النوم ويسمع الصوت ولا يعاين في اليقظة ولم يبعث إلى أحد وعليه إمام مثل ما كان إبراهيم على لوط، ونبي يرى في منامه ويسمع الصوت ويعاين الملك وقد أرسل إلى طائفة قلوا أو كثروا كما قال الله: (وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِثْرَةَ الْآلِفِ أَوْ يَزِيدُونَ) قال: يزيدون ثلثين ألفاً، ونبي يرى في نومه ويسمع الصوت ويعاين في اليقظة وهو إمام مثل أولي العزم وقد كان إبراهيم نبياً وليس بإمام حتى قال الله: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) بأنه يكون في ولده كلهم، (قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) أي من عبد صنماً أو وثناً بصائر الدرجات - لمحمد بن الحسن الصفار: ص393.

عن زيد الشحام، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إن الله تبارك وتعالى اتخذ إبراهيم عبداً قبل أن يتخذه نبياً، وإن الله اتخذته نبياً قبل أن يتخذه رسولاً، وإن الله اتخذته رسولاً قبل أن يتخذه خليلاً، وإن الله اتخذته خليلاً قبل أن يجعله إماماً، فلما جمع له الأشياء قال: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) قال: فمن عظمها في عين إبراهيم قال: (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) قال: لا يكون السفیه إمام التقی) الكافي: ج 1 ص 175.

و سایرین می‌توانند از حرام الهی به خداوند تمسک جویند. همه‌ی انبیا و فرستادگان، امام نیستند.<sup>2</sup>



---

<sup>2</sup> از هشام بن سالم از درست بن ابونصور واسطی از دو امام (علیهما السلام) روایت شده است که فرمودند: «انبیا و فرستادگان به چهار طبقه تقسیم می‌شوند: نبی‌ای که فقط در نفس خود خبر می‌گیرد و نه به صورت دیگر، و نبی‌ای که خواب می‌بیند و صدا می‌شنود و در بیداری چیزی نمی‌بیند و به سوی کسی فرستاده نشده در حالی که امامی بر او حجّت است مانند ابراهیم بر لوط، و نبی‌ای که در خواب می‌بیند و صدا می‌شنود و فرشته را می‌بیند و به سوی طایفه‌ای کوچک یا بزرگ ارسال می‌شود، همان گونه که خداوند می‌فرماید: «وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ» (و او را به رسالت بر صد هزار نفر و بیشتر فرستادیم) یعنی افزون بر سی هزار، و چهارم نبی‌ای که خواب می‌بیند و صدا می‌شنود و در بیداری می‌بیند و او امام و تمثیلی از اولو العزم است، مانند ابراهیم که نبی بود و امام نبود تا اینکه خداوند فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» (من تو را امام بر مردم قرار می‌دهم. گفت: و از فرزندان من هم) یعنی آیا همه‌ی فرزندانم را نیز. فرمود: «قَالَ لَا يَبَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (گفت: عهد و پیمان من به ظالمان نمی‌رسد)». بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار: ص 393.

از زید شحام نقل شده است که گفت: از ابا عبد الله (ع) شنیدم که می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی ابراهیم را بنده‌ی خود خواند قبل از اینکه نبی باشد و او را نبی و رسول خواند قبل از اینکه خلیل خود سازد و او را خلیل خود خواند قبل از اینکه به امامت برساند. آنگاه که همه‌ی این‌ها را در او جمع کرد، فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (من تو را امام بر مردم قرار می‌دهم) و از دیدن عظمت آن، ابراهیم گفت: «قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَبَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (گفت: و از فرزندان من هم. گفت: عهد و پیمان من به ظالمان نمی‌رسد) یعنی فرمود: سفیه، امام تقی نخواهد شد». کافی: ج 1 ص 175.